

حق کودک بر هویت^۱

دکترا لیلیا سادات اسدی^۲

مدرس دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

چکیده

هویت فردی، تمایزی با ثبات میان افراد است که در طول زمان تغییر نمی‌یابد. هویت در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها به عنوان «حق» مورد حمایت قرار گرفته است. نظر به اینکه محور هویت افراد معمولاً در کودکی صورت می‌گیرد که وی تسلط بر عناصر هویتی خود ندارد، حمایت از هویت کودک از اهمیت بالایی برخوردار می‌گردد. کنوانسیون حقوق کودک عناصر هویت کودک را شامل نام، تابعیت و ارتباط والدینی در نظر گرفته و در جهت حفظ این عناصر، تکالیفی را بر دوش دولت‌های عضو گذارده است. در حقوق ایران تضمین‌هایی که در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین به منظور حفظ هویت کودک شده است، شامل جرم‌انگاری رفتارهایی مانند ربودن طفل تازه متولد شده، منتسب نمودن طفل به زن دیگری غیر از مادر، عدم استرداد طفل، رها نمودن طفل، اعلام و اظهار دروغ درباره هویت طفل و اخذ شناسنامه بر اساس آن و خرید و فروش کودک می‌باشد. در مقایسه قوانین قبل و بعد از انقلاب اسلامی به نظر می‌رسد مواد مندرج در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ که با هدف حفظ هویت کودک تصویب شده است، نسبت به قانون مجازات اسلامی از اجمال و ابهام کمتری برخوردار است. از سوی دیگر نهادهایی که در حقوق ایران هویت طفل را مدنظر قرار داده‌اند، از جمله نسب، اهدای جنین، سرپرستی کودک و ثبت ولادت، بعضاً حمایت کامل از هویت کودک ننموده یا زمینه‌ساز تداخل هویتی

۱- دریافت مقاله: ۸۷/۸/۱؛ پذیرش: ۸۷/۱۰/۲۶

۲- مدیر گروه حقوق خانواده در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و مستشار اداره کل تدوین لوایح قوه قضائیه.

شده‌اند. لذا اصلاح و تکمیل قوانین، باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد. این نوشتار به بررسی حق کودک بر هویت در حقوق ایران می‌پردازد و با عنایت به الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک، انطباق قوانین داخلی با این سند و دیگر اسناد بین‌المللی را مدنظر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

هویت، کودک، نسب، اهدای جنین، سرپرستی، ثبت احوال

هویت^۱ «ویژگی یا کیفیتی است که موجب تمایز و شناسایی کسی از دیگران می‌شود» (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۱۸۸). این تمایز صرفاً به ظاهر مربوط نمی‌شود؛ زیرا در آن صورت باید دوقلوهای یک تخمکی را که از لحاظ ژنتیکی و ظاهری بسیار شبیه هم هستند، فاقد هویت دانست. هویت حقوقی، ناشی از نحوه‌ی ولادت (والدین، محل ولادت و غیره) می‌باشد و مفهومی و رای هویت در حوزه‌های دیگر دارد و به مفهوم هویت فردی نزدیک است. در حقوق ایران هویت به عنوان حق در نظر گرفته نشده است؛ اما تا حدی به شاخصه‌های تأمین آن توجه گردیده است.

الزام‌های بین‌المللی بر حمایت از هویت کودک

کنوانسیون حقوق کودک^۲ تنها سند الزام‌آور بین‌المللی است که مورد پذیرش غالب کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. اینک عناصر هویت در کنوانسیون حقوق کودک و هم‌چنین الزام‌هایی که این کنوانسیون و دیگر اسناد بین‌المللی بر احترام به هویت کودک و تلاش بر حفظ آن قرار داده‌اند را مورد بررسی قرار دهیم:

۱- Identity (این واژه از "Idem" یعنی مشابه و یکسان ریشه می‌گیرد).

۲- Convention on the Rights of the Child, 1989

۱- عناصر هویت

حفظ هویت با حفظ عناصر آن میسر است و عناصری که در اسناد بین‌المللی برای هویت کودک شناخته شده است عبارتند از: نام، نام خانوادگی، تابعیت یا ملیت و روابط خویشاوندی. مطابق اصل ۳ اعلامیه جهانی حقوق کودک^۱، «کودک باید از بدو تولد صاحب نام و ملیت شود». متعاقباً بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون، کودک را از حقوقی مانند «حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرارگرفتن تحت سرپرستی آنها»، برخوردار نموده است. ماده ۸ کنوانسیون، کشورهای طرف کنوانسیون را مکلف نموده تا حق کودک را بر حفظ هویت خود از جمله ملیت، نام و روابط خانوادگی طبق قانون تضمین نمایند.

۲- تضمین‌های هویت کودک

کنوانسیون حقوق کودک به تضمین‌های هویت طفل نیز توجه کرده است. از جمله این تضمین‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - الزام به ثبت ولادت: ثبت یکی از نهادهای تضمین حقوق است که امروزه در دنیا مورد توجه قرار گرفته است. به «نوشتن و ضبط املاک، قراردادهای، معاملات یا هر رخدادی که قانون به ثبت الزامی یا اختیاری آن تصریح کرده» تعریف شده است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۵۷). ثبت احوال فرد که شامل وقایع چهارگانه‌ی تولد، ازدواج، طلاق و مرگ است، در قوانین کشورها مورد توجه قرار گرفته است^۲. ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک مقرر داشته است: «تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن ثبت می‌شود».

ب - حفظ ارتباط خانوادگی: زندگی کودک با والدین و عدم جدایی ایشان، امکان گسیختگی هویتی را حذف می‌کند. در این راستا بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کنوانسیون را مکلف نموده است تضمین نمایند که

1- Universal Declaration on the Rights of the Child, 1959

۲- از جمله می‌توان به مواد ۱۵۹۷ و ۱۶۱۷ قانون مدنی آلمان یا مواد ۳۱۹ تا ۳۲۲ قانون مدنی فرانسه اشاره نمود.

«کودکان علی‌رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات ذی‌صلاح مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسی‌های قضایی مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است...»^۱. بند ۲ ماده ۱۰ به کودکی که والدین او در کشورهای جداگانه زندگی می‌کنند، این حق را داده که صرف‌نظر از شرایط استثنایی به‌طور منظم روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین خود داشته باشد. کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید)^۲ که دولت ایران نیز به آن ملحق گردیده است^۳، انتقال اجباری اطفال یک گروه را به گروه دیگر تحت عنوان «نسل‌کشی»، منع نموده و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۴ نیز در بند «ه» ماده ۶ به همین موضوع اشاره کرده است (Schabas, 2007, p.93).

توجه به این نکته لازم است که در نسل‌کشی، وجود قصد نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ضروری است و انتقال اجباری اطفال یکی از گروه‌های مورد حمایت به منظور قطع ارتباط بین کودک با خانواده و خویشاوندان و در نتیجه اضمحلال هویت او صورت می‌گیرد.

ج - انجام فرزندخواندگی طبق قوانین و مقررات: ماده ۲۱ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهایی که سیستم فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته‌اند، مکلف نموده است تا تضمین نمایند که فرزندخواندگی فقط از سوی مقامات ذی‌صلاح و مطابق قوانین و مقررات لازم‌الاجرا صورت گیرد. قراردادن نهاد فرزندخواندگی در چارچوب قانون به منظور حفظ محرمانه سوابق هویت کودک است تا امکان دسترسی به آن برای کودکی که به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شود، موجود باشد.

د - پذیرش پناهندگی کودک با حفظ هویت: پناهندگی کودک چنانچه بدون همراهی با والدین باشد می‌تواند به هویت وی خدشه وارد کند. بدین منظور ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک مقرر داشته است که کشورهای عضو، حمایت و

1- Convention in the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 1948

۲- بنگرید به: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۸۲۵

3-International Criminal Court Statute, 1998

برای ملاحظه ترجمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بنگرید به: محمد نسل، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴-۱۰۵.

مساعادت لازم از این گونه کودکان به عمل آورده و در خصوص ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودک و کسب اطلاعات از آنها اقدام نمایند.

ه- پیشگیری از ربوده شدن، فروش و قاچاق کودک: ربودن، خرید و فروش کودک و قاچاق وی از عواملی است که به قطعاترتباط خویشاوندی منجر می‌شود و به ویژه در مواردی که کودک در دوران نوزادی و طفولیت به سر می‌برد، با توجه به عدم تسلط و آگاهی وی بر هویتش، می‌تواند تعیین و تحمیل هویت جعلی را برای کودک، هموار سازد. در این راستا ماده ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای عضو را موظف نموده که تمامی اقدام‌های ضروری را برای جلوگیری از ربوده شدن، فروش و قاچاق کودک به هر شکل و با هر منظور به عمل آورند.

حمایت از هویت کودک در حقوق ایران

در این بخش به دو موضوع عناصر هویت در حقوق ایران و ضمانت اجراهای حفظ هویت کودک می‌توان پرداخت:

۱- عناصر هویت در حقوق ایران

در حقوق ایران از هویت فردی تعریف به عمل نیامده و عناصر آن به تفکیک احصاء نگردیده است. مع‌هذا به طور ضمنی از عناصر تشکیل‌دهنده هویت کودک حمایت شده است. برخی حقوق‌دانان ممیزات شخص طبیعی را شامل نام، اقامتگاه و اسناد ثبت احوال دانسته‌اند و گفته‌اند منظور از مختصات و ویژگی‌های افراد، اوصاف و نشانه‌هایی است که انتساب آنها به هر شخص موجب تمییز و تفکیک او از هم‌نوعان خود می‌گردد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۸۰). مع‌هذا آنچه مدنظر ما در هویت است، محدودتر از ویژگی‌های شخص طبیعی است. زیرا شخص در حقوق موجودی است که دارای حق و تکلیف است و شخصیت به عنوان وصف و شایستگی شخص برای آن که طرف و صاحب حق و تکلیف باشد، تعریف شده است (ممو، ص ۶)؛ اما هویت، بخشی از حق شخص است. به همین جهت «اقامتگاه» از ممیزات شخص اعم از حقیقی و حقوقی است، اما نمی‌تواند عنصر هویت

محسوب شود. در حقوق ایران نهادهایی که حمایت از هویت کودک در آن مستتر است، به شرح زیر است:

۱- نسب

نسب به معنای قرابت، علاقه و رابطه دو شیء است (عمید، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۰۵۵) و «منتهی شدن ولادت شخصی به دیگری یا دو شخص به ثالث را گویند» (نجفی، ۱۳۹۴ هـ، ج ۳۹، ص ۷). بنابراین نسب به واسطه انعقاد نطفه و وجود رابطه خونی بین طفل و والدین ایجاد می‌شود (امامی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۱۵۱). این تعریف از آن جهت که نسب را به خویشاوندی در خط عمودی محدود نموده، قابل ایراد است و بهتر آن است که بگوییم رابطه بین دو نفر به سبب تولد یکی از آنها از دیگری یا تولدشان از شخص ثالثی است (امامی و صفایی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۸).

در حقوق ایران نسب را به مشروع و غیرمشروع تقسیم کرده‌اند و در تفکیک این دو به وجود نکاح صحیح اعم از دائم و غیردائم بین والدین حین انعقاد نطفه توجه شده است.^۱ که لازمه تحقق نسب مشروع است و این وجه تفکیک جای ایراد دارد زیرا وفق ماده ۱۱۶۴ ق.م.ا.حکام مواد ۱۱۵۸-۱۱۶۳ در خصوص نسب (مشروع) در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری است قانون مدنی تعریفی از نسب ننموده و صرفاً شرط نسب را در ماده ۱۱۵۸ تولد طفل در فاصله زمانی شش تا ده ماه از تاریخ نزدیکی دانسته است. ماده ۱۱۶۷ ق.م.ا.حکام «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود» ظاهراً بر عدم پذیرش نسب نامشروع تأکید دارد این تعبیر بعضاً در دیگر مواد خدشه‌دار شده است. از جمله مطابق ماده ۱۱۶۶ ق.م.ا.حکام هر گاه به واسطه وجود مانعی، نکاح بین ابویین باطل باشد، طفل برای هر یک از ابویین که جاهل بر وجود مانع بوده است، مشروع و برای دیگری نامشروع خواهد بود. به هر حال باید گفت عرفاً فرزند نامشروع نیز به والدین

۱- بنگرید به: جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۷۱۲.

نسبت داده می‌شود و والدین نسبت به او دارای تکالیفی هستند،^۱ اما اثر اصلی نسب، توارث است که بین فرزند نامشروع و والدین او ایجاد نمی‌شود.

قانون مدنی حمایتی از نسب طفل حاصل از روابط خارج از علقه زوجیت ننموده است. رویه قضایی در تعدیل این امر گام برداشته و تثبیت هویت چنین طفلی را با لزوم اخذ شناسنامه توسط پدر یا مادر او مدنظر قرار داده است.^۲ همین نظر غالب قضات، مبنای صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷-۱۳۷۵/۴/۳ بوده است. اثبات نسب، فرع بر رابطه زوجیت است. اگر چه ارتباط خونی فرزند با مادر به لحاظ وجود دوران حاملگی و متولد شدن او از مادر کمتر گسیخته می‌شود، اما «ادعای وجود رابطه مادر و فرزند نیز از جمله دعاوی راجع به نسب است (قاسم‌زاده، ره‌پیک و کیایی، ۱۳۸۲، ص ۴۱۱). قانون مدنی با پذیرش قاعده فراش^۳ در ماده ۱۱۴۸ طفل متولد در زمان زوجیت را ملحق به شوهر دانسته و این تصریح نیز ناشی از آن است که در حقوق ایران، نسب خارج از رابطه

۱- رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷-۱۳۷۵/۴/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «به موجب بند (الف) ماده یک قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه‌ی مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا این که ابویین طفل نامعلوم باشد، تعیین تکلیف کرده است. لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید با استفاده از عموماً و اطلاق مواد یاد شده و مسأله ۳ و ۴۷ از موازین قضایی از دیدگاه امام‌خیمینی (ره)، زانی پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه به عهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است...».

۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۰۷۸ - ۱۳۶۷/۸/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه: «در مورد شناسنامه برای فرزند ناشی از زنا با فرض صحت، تبصره ذیل ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ تعیین تکلیف کرده است. به موجب این قانون مادر می‌تواند برای فرزند خود شناسنامه اخذ و نام واقعی پدرش را در شناسنامه قید و نام خانوادگی خود را هم برای فرزندش انتخاب نماید...».

۳- مطابق قاعده «الولد للفراش وللعاهر الحجر» فرزند متعلق به زوج است و دیگری را در او بهره و نصیبی نیست. این قاعده به عنوان اماره‌ای برای اثبات فرزند برای پدر است (مشایخی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴). البته گاه امکان تعارض بین دو اماره فراش وجود دارد که راهکارهایی برای حل مشکل در نظر گرفته شده است. بنگرید به: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱-۳۴.

مورد حمایت نیست.

۲- ثبت احوال

مطابق ماده‌ی ۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است. این حمایت، کلیه اطفال متولد در ایران را صرف‌نظر از تابعیت پدر شامل می‌شود. (ماده ۱۲) ماده ۱۳ قانون ثبت احوال، اطلاعاتی را که در شناسنامه باید به ثبت برسد، علاوه بر نام و نام خانوادگی صاحب سند و جنس او، شامل کلیه اطلاعات شخصی مربوط به پدر و مادر و تولد فرد اعلام کرده است. به منظور پیشگیری از ثبت طفل برای اشخاصی غیر از والدین، گواهان به عنوان تأییدکنندگان تولد طفل و هویت او و والدینش مورد توجه قرار گرفته‌اند (بند ۵ ماده ۱۳).

قانون ثبت احوال به منظور پیشگیری از تبانی افراد در تغییر هویت فردی یا جلوگیری از ایجاد فاصله زمانی بین تولد و ثبت که می‌تواند در ارزش گواهی شهود مؤثر باشد، در تبصره ماده یک مهلت پانزده روزه برای اعلام ولادت طفل قرار داده است که ابتدای آن تاریخ ولادت طفل است. تبصره ماده ۴۱ نام خانوادگی پدر را به فرزند داده است و ثبت احوال طفلی که ابوی وی معلوم نباشند، در ماده‌ی ۱۷ قانون ثبت با استفاده از نام‌های فرضی در محل اسامی ابوی صورت می‌گیرد و تصحیح این نام‌های فرضی و قید والدین واقعی طفل به موجب اقرارنامه^۱ موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی، حکم دادگاه یا گواهی حصر وراثت صورت خواهد گرفت و به هر حال به منظور حفظ اسرار طفل، موضوع فرضی بودن اسامی پدر و مادر در شناسنامه منعکس نخواهد شد. با توجه به موارد پیش‌گفته، قانون ثبت، هویت واقعی طفل را مدنظر قرار داده است و رویه

۱- به موجب ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی، اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً- تحقق نسب بر حسب عرف و عادت و قانون ممکن باشد؛ ثانیاً- کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده به شرط آن که منازعی در بین نباشد.

قضایی نیز بر همین مبنا است. به همین جهت ثبت طفل به نام والدین رضاعی^۱ و ثبت طفل با نام شوهر مادر او^۲ ممکن نیست.

۳- سرپرستی کودک با حفظ هویت

حقوق ایران با پذیرش ضرورت سرپرستی کودکان بی سرپرست و با توجه به لزوم حفظ هویت واقعی طفل، نهادی مشابه فرزندخواندگی را تحت عنوان «سرپرستی» با قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۳ مورد شناسایی قرار داده است. توضیح این که فرزندخواندگی «عملی حقوقی است که نتیجه آن حصول رابطه فرزندى صوری بین دو کس است و این نهاد مورد پذیرش اسلام قرار نگرفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۲۷۸۲). البته مطابق ماده ۱۳ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست، مقررات احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در مورد فرزندخواندگی نسبت به آنان قابل اجراست. رویه قضایی نیز بر این نظر است که در قوانین ایران فرزندخواندگی برای اتباع ایران معتبر شناخته نشده است مگر برای ایرانیان غیرشیعه (نظریه شماره ۷/۴۰۷۹- ۱۳۶۹/۱/۱۴- اداره حقوقی قوه قضائیه). بند ب ماده ۶ این قانون صرفاً سرپرستی کودکانی را ممکن قرار داده است که هیچ یک از پدر یا جد پدری یا مادر آنها شناخته نشده است یا در قید حیات نیستند یا کودکانی که به مؤسسه عام المنفعه سپرده شده اند و سه سال تمام پدر، مادر و جد پدری او مراجعه نکرده اند. در صورت ورود کودک به نهاد سرپرستی اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای طفل با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر نماید. به منظور حفظ هویت اطفال در صورت صدور حکم سرپرستی، شناسنامه اصلی کودک باطل نمی گردد و مشخصات قبلی وی به همان وضعیت در اداره ثبت احوال حفظ می شود تا در صورت فسخ حکم سرپرستی از طرف دادگاه، حکم به تصحیح شناسنامه و اسناد

۱- بنگرید به: نظریه شماره ۷/۷۶۰۵- ۱۳۷۶/۱۱/۷- اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲- بنگرید به: نظریه شماره ۷/۵۰۷- ۱۳۶۹/۱۰/۱۶- اداره حقوقی قوه قضائیه.

مربوط به اداره ثبت احوال اعلام شود. حکم به این موضوع حتی در مورد کودکانی که والدین آنها شناخته شده، نیستند نیز اعمال می‌گردد. زیرا اطلاعات راجع به تولد چنین طفلی یا چگونگی حضور وی در سازمان بهزیستی و حتی نام‌های فرضی والدین که توسط آن سازمان بر طبق ماده‌ی ۱۷ قانون ثبت در شناسنامه اولیه طفل درج شده است، می‌تواند به عنوان جزئی از هویت در کشف هویت اصلی وی مؤثر باشد.

مطابق ماده ۱ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست، از شرایط لازم برای زوجین خواهان سرپرستی کودک، آن است که مقیم ایران باشند. این امر می‌تواند در حفظ یکی از عناصر هویت یعنی تابعیت مؤثر باشد.^۱ زیرا صدور شناسنامه جدید برای کودک، تابعیت ایرانی وی را تصدیق می‌نماید و اقامت والدین سرپرست در ایران، امکان تغییر تابعیت را از بین می‌برد. مع‌هذا در خصوص خروج بعدی سرپرست به همراه کودک از ایران، ممنوعیتی در نظر گرفته نشده است. در حالی که این امر می‌تواند به تغییر تابعیت کودک منتهی شود. همچنین توجه به مذهب زوجین سرپرست و انطباق آن با مذهب کودک به ویژه در مواردی که هویت والدین طفل مشخص است، از دید قانون مغفول مانده است.^۲

۴- اهدای جنین

اهدای جنین از نهادهای جدیدی است که در سال ۱۳۸۲ با تصویب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور وارد حقوق ایران گردید. ایران برای جنین حقوقی را در نظر گرفته است که از آن جمله می‌توان به حق ارث بردن در صورت زنده

۱- رویه قضایی بر آن است که تابعین کشورهای خارجی که مقیم ایران باشند، نیز می‌توانند طفل ایرانی را به سرپرستی بپذیرند (نظریه مشورتی شماره ۱۴۶/۷-۱۳۶۸/۶/۵-۷ اداره حقوقی قوه قضائیه).

۲- رویه قضایی در این خصوص مردد است. نظریه مشورتی شماره ۳۹۷۴-۷/۱۷-۱۳۷۴/۷ در پاسخ به این سؤال چنین بیان می‌کند: «لایحه مذکور در واگذاری کودک برای سرپرستی به فرد یا خانواده غیرایرانی صراحت ندارد و به نظر می‌رسد با توجه به افکار و عقاید عمومی، واگذاری اطفال به خارجیان مسلمان مقیم ایران بلاشکال است.»

متولد شدن (ماده ۸۷۵ ق.م) اشاره کرد. صرف نظر از تعریف جنین و اختلاف در آن^۱ از نظر ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۳، جنین، نطفه حاصل از تلقیح خارج رحمی زوج‌های قانونی و شرعی از مرحله باروری تا حداکثر پنج روز بعد از آن می‌باشد.

ماده ۳ آیین‌نامه قانون موضوع بحث، احراز هویت زوجین اهداکننده را در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری، ضروری دانسته است و این امر به منظور پیشگیری از بی‌هویتی جنین است. مطابق تبصره ماده ۶ آیین‌نامه، اطلاعات مربوط به جنین‌های اهدایی جزو اطلاعات به‌طور کلی سری طبقه‌بندی می‌شود. به منظور نگهداری اطلاعات اهداکنندگان و گیرندگان جنین، بانک جنین در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری تشکیل می‌شود که تحت نظارت و دستورالعمل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی فعالیت خواهد کرد. ماده ۱۰ آیین‌نامه، ارائه مدارک و اطلاعات مربوط به اهداکننده و دریافت‌کننده جنین را تنها با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و صرفاً به مراجع قضایی صلاحیت‌دار، مجاز دانسته است. عدم تصریح به نوع ارتباط جنین با زوجین اهداگیرنده، خلا قانونی است که باید با توجه به موازین فقهی پر شود.

ضمانت اجراهای حفظ هویت کودک

مقنن ایران نیز به منظور حفظ هویت طفل ضمانت‌های اجرایی را قرار داده است. جرم‌انگاری رفتارهایی که می‌تواند هویت طفل را به مخاطره اندازد بعضاً در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین پراکنده به چشم می‌خورد.

۱- حمایت از هویت کودک در قانون مجازات اسلامی

فصل هفدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در موادی به‌طور غیرمستقیم از هویت کودک دفاع کرده که بدین قرار است:

۱- بنگرید به: گلوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸؛ قبله‌ای، ۱۳۷۵، ص ۵۹.

الف - دزدیدن طفل تازه متولدشده: ماده ۶۳۱ ق.م.ا دزدیدن، مخفی کردن یا قلمداد نمودن طفل به زن دیگری غیر از مادر او را جرم‌انگاری نموده است.^۱ این که طفل تا چه مدتی پس از تولد، «تازه متولد شده» محسوب می‌شود، جای ابهام دارد. از سوی دیگر این حمایت باید تا سنی که طفل توانایی وقوف بر هویت خود را ندارد، ادامه یابد. مسلماً طفل سه ساله نیز اگر چه تا حدی ارتباطات خانوادگی خود را درک می‌کند اما در صورت دورافتادن از والدین، این ارتباط را به فراموشی می‌سپرد. این ماده سه عمل دزدیدن، مخفی کردن، برای دیگری یا به جای دیگری قلمداد کردن را جرم‌انگاری نموده است. معمولاً دزدیدن و مخفی کردن طفل تازه به دنیا آمده با این انگیزه صورت می‌گیرد که آن را متعلق به دیگری قلمداد نمایند.

قید «متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل» نیز ناشی از آن است که تولد طفل از زن صورت می‌گیرد و قلمداد نمودن تعلق طفل به یک زن با عنایت به قاعده‌ی فراش، تعلق او را نسبت به مرد دیگری غیر از پدر، منتفی می‌سازد. بنابراین نیازی به جرم‌انگاری «قلمداد نمودن طفل به مرد دیگری غیر از پدر»، نبوده است. قید اخیر ماده و تخفیف مجازات مرتکب، از حبس به جزای نقدی در صورتی که احراز شود طفل مرده بوده است، منظور قانونگذار در هدف اصلی وضع این ماده یعنی حفظ هویت کودک را تقویت می‌کند. زیرا هویت طفل تا وقتی زنده است، دارای اثر مفید خواهد بود. در تعریف هویت نیز به ثبات و دوام آن اشاره شده است و این ثبات و دوام که در طول زمان به وجود می‌آید، هویت را قوام می‌دهد. به همین جهت حفظ هویت برای انسان بزرگسال که فوت می‌کند، مهم است. به‌ویژه آن گاه که ارتباطات اجتماعی وی در کنار ارتباطات خانوادگی، هویت اجتماعی خاصی را

۱- ماده ۶۳۱ ق.م.ا: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بود مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

برای او رقم می‌زند. مسلماً یک اندیشمند، نویسنده و صاحب‌نظر که هویت اجتماعی و علمی خود را با سالها کار، مطالعه و تلاش به دست آورده است خواهان حفظ هویت خود پس از مرگ نیز می‌باشد. اما عناصر هویتی طفل تازه به دنیا آمده به نام، نام خانوادگی و ارتباط خونی با والدینش محدود می‌گردد لذا حفظ هویت وی در صورت فوت چندان اهمیتی نخواهد داشت. با این وصف می‌توان گفت اگر چه ظاهر ماده ۶۳۱ بر مطلق بودن جرم^۱ مندرج در آن دلالت دارد اما عدم حصول نتیجه می‌تواند موجب کاهش مجازات باشد.

ماده ۱۹۶ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ قسمت انتهایی ماده ۶۳۱ را بدین شرح توضیح داده بود که «اگر زنده بودن طفل مسلم نشده باشد، مجازات مقصر از یک‌ماه تا شش‌ماه می‌باشد و اگر مسلم شود که طفل متوفی بوده مجازات به یازده روز تا دو ماه حبس تغییر می‌یابد». این تفکیک به حالت خطرناک مرتکب توجه دارد زیرا قصد مجرمانه کسی که احتمال می‌دهد طفل مرده است و او را متعلق به دیگری قلمداد می‌کند با کسی که با اطمینان به مرده بودن طفل او را به دیگری نسبت می‌دهد، قوی‌تر است. به هر حال هر دو قانون قبل و بعد از انقلاب اسلامی با این ایراد روبه‌رو است که زنی را که طفل را به دروغ متعلق به خود (نه دیگری) قلمداد می‌کند را در بر نمی‌گیرد.

ب - عدم استرداد طفل: مطابق ماده ۶۳۲ ق.م.ا اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند، امتناع کند به مجازات از سه‌ماه تا شش‌ماه حبس یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. ارتباط این ماده با حفظ هویت طفل از آن جهت است که صرف امتناع را با مجازات روبه‌رو کرده است؛ اما چه بسا ادامه امتناع، محروم ماندن دائمی ذیحق در نگهداری طفل را به دنبال

۱- چنان چه تحقق جرم مقید به تحقق نتیجه‌ای باشد مانند سلب حیات در قتل عمد، جرم مقید است و اگر صرف انجام رفتار مجرمانه صرف‌نظر از تحقق نتیجه، جرم‌انگاری شود آن را جرم مطلق گویند بنگرید به (نوربها، ۱۳۷۸، ص ۲۵۹-۲۶۰).

داشته باشد. نکته دیگری که این هدف را تقویت می‌کند، رویه قضایی است که والدین را از شمول این ماده خارج ساخته است.^۱

ماده ۶۳۲ ق.م.ا. رونوشت ماده ۱۹۷ ق.م.ع است، اما ابهامی را که رویه قضایی به تنویر آن همت گماشت، در ماده ۱۹۷ مشاهده نمی‌کنیم. این ماده مادر طفل را از شمول مرتکبان خارج ساخت^۲ و با استثنای مادر، ابهام بر شمول ماده بر پدر را نیز مرتفع نمود. موضوع ماده ۶۳۲ به خلاف ماده ۶۳۱، طفل به طور مطلق است که با توجه به مفهوم فقهی و قانونی،^۳ شامل کودک غیربالغ می‌گردد. مع‌هذا وضعیت طفل باید به گونه‌ای باشد که قابلیت سپردن را داشته باشد و سپردن معمولاً درباره شخصی صورت می‌گیرد که قادر به محافظت از خود نباشد.

ج - رها کردن طفل: ماده ۶۳۳ ق.م.ا. رها کردن طفل یا شخصی را که قادر به محافظت از خود نمی‌باشد در محل خالی از سکنه، جرم‌انگاری نموده است.^۴ تفکیک بین محل رها کردن (محل خالی از سکنه یا آبادی) تا حدی شائبه جرم‌انگاری این عمل به منظور حمایت از هویت طفل را کم‌رنگ می‌کند. زیرا چنانچه کودکی را که بر هویت خویش یا محل سکونت والدین خود آگاه نیست، در محل دارای سکنه هم رها نمایند، اگر چه احتمال ورود صدمه یا فوت تا حدی

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۸۷۲۸-۱۳۸۳/۱/۲۰-۱۳۸۳/۱/۲۰ اداره حقوقی قوه قضائیه. «مانعت پدر یا مادر از اجرای حکم ملاقات یا عدم تحویل طفل به ذی‌حق مشمول مقررات ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی نیست. چنانچه کسی که حضانت طفل به وی سپرده شده، مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی‌حق شود عمل وی مشمول ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده خواهد بود...» (معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۶۰).

۲- ماده ۱۹۷ ق.م.ع: «اگر کسی غیر از مادر، طفلی را که به او سپرده شده بود در موقع مطالبه اشخاصی که حق مطالبه دارند از دادن امتناع کند، به یک ماه الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد».

۳- تبصره ۱ ماده ۴۹ ق.م.ا: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد».

۴- ماده ۶۳۳ ق.م.ا: «هر گاه کسی، شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت از خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است، رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد، رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود، رهاکننده علاوه بر مجازات فوق، حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد».

کاهش می‌یابد، مع‌هذا می‌تواند منجر به محو هویت طفل گردد. به خلاف آنچه در جرم موضوع ماده ۶۳۲ ق.م.ا بیان شد، امکان ارتکاب جرم موضوع ماده ۶۳۳ ق.م.ا از سوی والدین وجود دارد و رویه قضایی نیز بر همین نظر است^۱. قبل از انقلاب اسلامی ماده ۲۰۰ قانون مجازات عمومی، در رها کردن طفل، سن هفت سال را به عنوان سقف قرار داده و طفل بالای هفت سال را از چتر حمایتی خود خارج ساخته بود.

د - ربودن طفل: ربودن افراد در ماده ۶۲۱ ق.م.ا به هر منظور اعم از قصد مطالبه وجه یا مال و یا قصد انتقام، با مجازات پنج تا پانزده سال روبه‌رو خواهد شد و چنان چه مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال داشته باشد، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. این ماده نیز تا حدی به آسیب‌های ناشی از ربودن طفل بر هویت او توجه دارد. زیرا بسیاری از موارد انگیزه ربودن طفل، خرید و فروش یا قاچاق او می‌باشد. نکته مهمی که در قانون مجازات عمومی لحاظ شده بود، اما در قوانین بعد از انقلاب مورد توجه قرار نگرفت، تشدید مجازات والدین و ولی طفل در ماده ۲۰۱ است. این تشدید مجازات از آن جهت که واگذاری طفل به دیگران معمولاً توسط کسانی که مسئولیت نگهداری و انفاق به طفل را به‌عهده دارند، صورت می‌گیرد، مفید است.

۲- حمایت از هویت کودک در دیگر قوانین

غیر از قانون مجازات اسلامی برخی قوانین نیز به‌طور پراکنده به حمایت از هویت طفل پرداخته‌اند.

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۷۲۰۷-۱۲/۸-۱۳۷۸ اداره حقوقی قوه قضائیه: «از نظر مقررات کیفری چنانچه عمل والدین مشمول قسمت دوم از ماده ۶۳۳ یا ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی یا به لحاظ خودداری از وظیفه مقرر در ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، مشمول ماده ۳ قانون تخلفات و جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۱۳۷۰ باشد، نخست وفق ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ باید برای طفل قیم موقت تعیین و سپس نسبت به تعقیب متهم یا متهمان اقدام کرد (معاونت حقوقی و توسعه قضایی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۶۰).

الف - دروغ در خصوص هویت طفل: مطابق ماده ۵۱ اصلاحی ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ قانون ثبت احوال، هر کس عالماً و عامداً پدر یا مادر طفل را به غیر از پدر و مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و بر اساس آن شناسنامه دریافت کند، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره این ماده مواردی را که پدر یا مادر طفل معلوم نباشد، و همچنین موارد مذکور در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست را از شمول این ماده مستثنی می‌داند.

جرم‌زدایی در این تبصره جای تأمل دارد و این تأمل به ویژه در سایر موارد مندرج در قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست که شامل کودکانی است که والدین‌شان فوت نموده‌اند یا با انقضای مدت سه سال از سپردن آنها به بهزیستی، مراجعه ننموده‌اند، باید بیشتر باشد. زیرا حتی برای کودک با والدین نامعلوم، متناسب شدن به افرادی غیر از پدر و مادر، امکان تلاش برای یافتن هویت واقعی وی را حذف می‌کند. همچنین انتساب کودکی که والدین او مشخص بوده و وی را رها کرده‌اند یا فوت نموده‌اند به دیگری، آثار سوء بیشتری دارد که باید مورد حمایت قانونگذار قرار گیرد. لازم به ذکر است که گواهی بر تعلق کودکی که هویت والدین او مجهول است به دیگری نیز مانند ادای همین گواهی درباره کودک با والدین معلوم، قبیح است و گواهی دروغ محسوب می‌شود. از سوی دیگر، کودک با پدر و مادر نامعلوم بیش از سایر کودکان نیازمند حمایت است. همچنین حمایت کیفری از هویت کودکی که والدین او فوت نموده‌اند یا برای استرداد او از سازمان بهزیستی مراجعه نکرده‌اند، ضروری است. قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۱۳۷۰ در بند «الف» ماده ۲ برای اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت، برخلاف واقع اظهاری نمایند، مجازات یا جمع مجازات را قرار داده است. در تفاوت جرم موضوع ماده ۲ با ماده ۵۱ نیز باید گفت تحقق جرم موضوع ماده ۵۱ مقید به دریافت شناسنامه است، اما جرم موضوع ماده ۲ مطلق بوده و صرف اظهار دروغ کفایت می‌کند. به همین جهت، جرم اولی توسط کسانی از قبیل والدین قابل ارتکاب است که با توجه به

نسبت آنها با طفل، امکان اخذ شناسنامه را دارند. اما قانون سال ۱۳۷۰ در مورد کلیه اظهارکنندگان قابل اعمال است. همین مجازات در بند «ج» ماده ۲ برای ماما یا پزشکی که برای ولادت طفل، گواهی خلاف واقع صادر نمایند و بند «د» برای شهودی که در مورد ولادت طفل گواهی دروغ بدهند، در نظر گرفته شده است. هم چنین ماده ۵۲ قانون ثبت احوال مأمورانی را که عالماً و عامداً در جرایم مذکور در مواد ۴۹ و ۵۱ این قانون به هر نحو کمک نمایند یا گواهی‌های خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی خود قرار دهند، به میزان مرتکب اصلی قابل مجازات دانسته است. در ارتباط عمل مأمور با اعلام‌کننده دروغ باید به معاونت در جرم اشاره کرد. زیرا مأموری که با علم به دروغ بودن اعلام و اظهار، آن را استماع می‌کند، وقوع جرم را تسهیل نموده است. به کار بردن واژه «کمک» این تفسیر را قوی می‌سازد. با این وصف، معاون چنین جرمی طبق عموماً باید از حداقل مجازات مباشر برخوردار شود^۱ اما به جهت سِمَت قانونی که قرارگرفتن در آن سمت، اختیار و متعاقباً مسؤلیت بیشتری را متوجه وی می‌کند، با تشدید مجازات روبه‌رو خواهد شد. فعل مأمور در قسمت اخیر ماده ۵۲ بر این که گواهی خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی خود قرار داده است از مصادیق معاونت خارج است؛ زیرا شرط تحقق معاونت، تقدم زمانی عمل معاون بر مباشر یا همزمانی این دو است و در حالت فوق پس از اعلام، اظهار و ادای گواهی دروغ، عمل مأمور شروع می‌شود.

ب - خرید و فروش کودک: خرید و فروش کودک که گاه والدین نیز در آن نقش دارند، به ویژه در خصوص کودکان خردسال می‌تواند بی‌هویتی آنان را به دنبال داشته باشد. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در ماده ۳ هر گونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان را به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق ممنوع نموده و مجازات حبس از شش‌ماه تا یک سال

۱- مطابق ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، «هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود».

یا جزای نقدی از ده تا بیست میلیون ریال برای مرتکب قرار داده است. این ماده در ظاهر با عدول از اصل «عدم دخالت انگیزه در رکن معنوی جرم» تحقق جرم را منوط به وجود انگیزه به کارگیری طفل در اعمال خلاف نموده است.^۱ با این وصف پدر و مادری که با انگیزه مالی یا حتی به زعم خود با قصد سعادت کودک، وی را به دیگری می‌فروشند، با این ماده قابل مجازات نیستند. اداره حقوقی قوه قضائیه در تفسیری عبارت «ارتکاب اعمال خلاف» در ماده ۳ را صرفاً بر رفتار سوم مندرج در این ماده (به کارگیری کودکان) وارد دانسته و لذا صرف خرید و فروش اطفال به هر منظوری را جرم تلقی نموده است. این تفسیر مطلوب است، اما برخلاف اصل «تفسیر مضیق قوانین جزایی» و «تفسیر به نفع متهم» می‌باشد.

ج - قاچاق کودک: قانون قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ در راستای اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران است که با الحاق ایران به کنوانسیون منع قاچاق انسان تصویب شد، ضمن جرم‌انگاری قاچاق انسان با تعریف خاص مندرج در ماده ۱ این قانون در تبصره یک ماده ۳، دارا بودن سن کمتر از هجده سال را برای بزه‌دیده، موجب تشدید مجازات تا حداکثر مجازات تعیین شده برای قاچاق (دو تا ده سال حبس و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه و اموری که از طرف بزه‌دیده یا ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است) دانسته است. این تشدید مجازات علاوه بر آن که به اهمیت دوران کودکی به جهت شکل‌گیری شخصیت انسان در آن مرتبط است، ناشی از تأثیر قاچاق در محو شدن هویت کودک نیز می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

هم‌چنانکه ملاحظه گردید، حمایت‌های مندرج در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ از طفل و هویت او، کاملتر بود. این قانون که جرایم مندرج در مواد

۱- بنگرید به: اسدی، ۱۳۸۱، ش ۲۵، ص ۱۳۶.

۶۳۱-۶۳۳ ق.م.ا را به ترتیب در مواد ۱۹۵-۱۹۹ جای می‌داد، از ایرادها و ابهام‌های مندرج در این مواد خالی بود. صرف‌نظر از تفاوت‌های اندک قوانین قبل و بعد از انقلاب اسلامی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به حمایت از هویت طفل برخاسته‌اند، باید گفت این حمایت‌ها نیاز به بازنگری با توجه به واقعیت‌های موجود دارد. امروزه فروش نوزادان حتی قبل از تولد توسط والدین صورت می‌گیرد و بعضاً صدور گواهی‌های ولادت جعلی یا تقلب در تغییر هویت مادر حین زایمان و یا به ندرت تبانی با پزشک یا ماما که در امر زایمان دخالت دارند، در صدور گواهی خلاف واقع، مصدر اصلی تغییر هویت کودک است.

از سوی دیگر قانون نحوه اهدای جنین که بدون توجه به مفهوم نسب در حقوق ایران و رفع موضوع‌های اساسی مرتبط با کودکی که از این طریق به دنیا می‌آید، از قبیل نسب و آثار ناشی از آن مانند توارث، صرفاً در پنج ماده به‌طور مختصر به تصویب رسیده است و بدون اینکه مشخص سازد طفل ناشی از این روش متعلق به اهداکنندگان جنین است یا مادری که جنین را در رحم خود پرورانده است یا بدون این که ارتباط جنین را با شوهر اهداءگیرنده روشن نماید، با تشکیل بانک اطلاعات جنین، راه دعاوی مربوط به نسب و به تبع آن هویت او در آینده را بازگذاشته است و خدشه‌ای بر حفظ هویت اشخاص وارد می‌کند. عدم پاسخ به این سؤال‌ها به منزله بازگذاشتن دست رویه قضایی و اعمال نظرهای قضایی متفاوت خواهد بود که در آینده هویت افراد متولدشده از چنین روشی را تعیین خواهد کرد. ضرورت اعتماد بر رویه قضایی مورد تأیید است، اما واقعیت این است که رویه قضایی در کشور ما بسیار ضعیف منعقد می‌گردد و علت را شاید بتوان در اهمیت بیش از حد قانون در نظام قضایی ایران، عدم ارتباط بین قضات یا تشکیل نشست‌های قضایی^۱ و عدم نظارت دقیق دیوان عالی کشور بر آراء محاکم که طبق اصل ۱۶۱ قانون اساسی مکلف به آن شده است، دانست.

۱- البته از اقدامات چند سال اخیر معاونت آموزش قوه قضائیه در برگزاری کمیسیون‌های تخصصی قضات و چاپ و انتشار حاصل نشست‌های قضایی نباید غافل بود.

منابع و مأخذ

- اسدی، لیلآسادات، «*نقدی بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان*»، پیام آموزش (ماهنامه معاونت آموزشی قوه قضاییه)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶
- اسلامی، سید حسن، «*حقوق بشر و شبیه‌سازی انسانی*»، حقوق بشر، قم، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید، بهار و تابستان ۱۳۸۵
- امامی، سید اسدالله و صفایی، سید حسین، *مختصر حقوق خانواده*، تهران، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵
- امامی، حسن، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌نا، ۱۳۶۸
- امیر ارجمند، اردشیر، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۸۶
- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی، *دانشنامه حقوق خصوصی*، تهران، نشر محراب فکر، چاپ اول، ۱۳۸۴
- باهری، محمد و داور، میرزا علی اکبر، *نکرتشی بر حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، نشر گنج دانش، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۸
- دهخدا، علی‌اکبر، *فرهنگ لغت دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵
- صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده، مرتضی، *حقوق مدنی - اشخاص و محجورین*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ نهم، ۱۳۸۲
- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۱
- قاسم‌زاده، مرتضی؛ ره‌پیک، حسن؛ کیایی، عبدالله، *تفسیر قانون مدنی - اسناد، آراء و اندیشه‌های حقوقی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

- دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ☞ قبله‌ای، خلیل، «بررسی احکام فقهی و حقوقی حمل و جنین»، تهران، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، سال اول، تابستان ۱۳۷۵
- ☞ گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای اختصاصی*، تهران، مؤسسه انتشارات نشر دانشگاهی (ماجد)، چاپ ششم، ۱۳۷۸
- ☞ محمد نسل، غلامرضا، *مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری*، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۵
- ☞ محسنی، مرتضی، *دوره حقوق جزای عمومی، پدیده جنایی*، تهران، نشر گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ☞ مشایخی، قدرت‌الله، *قاعده‌های فقهی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۳
- ☞ معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، *آسیب‌شناسی فقهی قوانین- قانون مدنی*، قم، قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ☞ معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، *مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری*، تهران، نشر روزنامه رسمی، چاپ اول، ۱۳۸۶
- ☞ نایب‌زاده، عباس، *باروری مصنوعی*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ☞ نجفی، محمد حسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۹۴ هـ
- ☞ نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر دادآفرین، چاپ ششم، ۱۳۷۸
- ☞ Brownlie, Ian, *Basic Documents on Human Rights* NewYork, Oxford university press, Fifth Edition, 2006
- ☞ Schabas, William, *International Criminal Court*, NewYork, Cambridge university press, First published, 2007
- ☞ *Convention on the Rights of the Child*, 1989
- ☞ *Universal Declaration in the Rights of the Child*, 1959
- ☞ *Convention in the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide*, 1948
- ☞ *International Criminal Court Statute*, 1998